فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی(دوره جدید)

شماره ۳۵،
دوره سوم،
سال پنجم،
بهار ۱۴۰۱،
صص ۱-۲۴

مقایسه نگرش دختران و پسران از تأخیر در ازدواج

مورد مطالعه: (جوانان حاشیه نشین شهر تهران)

عبدالرضا باقری بُنجار[۱] ، بهمن بابایی*[۲]

چکیده

پژوهش حاضر، مطالعه مقطعی – کاربردی است که با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه صورت پذیرفت. جامعه آماری شامل کلیه دختران و پسران ۲۵ تا ۳۵ سال هرگز ازدواج نکرده در دو شهر حاشیه نشین پاکدشت و شهریار می باشند. طبق سرشماری ۱۳۹۵ مجموع جمعیت آن ها ٤٨٠٨٨ نفر است. حجم نمونه مطابق فرمول کوکران ۳۸۱ نفر است که از طریق نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای بدست آمد. داده ها با استفاده از نرم افزار **spss** مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته های پژوهش نشان می دهد که بین برخورداری از استقلال اقتصادی و نگرش دختران ارتباط معنی داری وجود دارد، این ارتباط میان زده شدن داغ ننگ و نگرش دختران نیز معنی دار است. بین مشکلات اقتصادی پسران با تأخیر در ازدواج ارتباط معنی داری وجود دارد. میان فضای اجتماعی و نگرش پسران ارتباط معنی داری وجود دارد. بنابراین با توجه به مقدار آماره **t: 5.089** و سطح معنی داری **sig:0.000** تفاوت معنی داری میان نگرش دختران و پسران درباره عوامل تأخیر در سن ازدواج وجود دارد.

کلید واژگان: ازدواج، تأخیر در ازدواج، حاشیه‌نشینی، نگرش دختران و پسران.

[۱] دکتری جامعه شناسی تطبیقی، استادیار دانشگاه شاهد تهران، تهران، ایران (ab.bagheri@yahoo.com)
[۲] * کارشناسی ارشد جامعه شناسی محض، دانشگاه شاهد تهران، تهران، ایران (bahman.baba99@gmail.com)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

بیان مسأله و ضرورت پژوهش

خانواده، از جمله نهادهای پر اهمیت اجتماعی است که از دیر باز مورد تأکید بسیاری از محققان اجتماعی از جمله جامعه شناسان می باشد چرا که هر جامعه ای برای بقاء و بازتولید خود نیازمند این نهاد حیاتی است و خانواده پاسخگوی نیازهای مهمی اعم از: تولید نسل، جامعه پذیر کردن اعضا، به وجود آوردن آرامش روحی، مراقبت از سالمندان و .. می باشد(Moghimi at al,2017). باید خاطر نشان کرد خانواده چه در دوران پیشاصنعتی و چه در دوران مدرنیته و در جوامع متنوع مهم‌ترین تأثیر را بر روی دیگر نهادها داشته است و واضح است که خانواده را می‌بایست بهترین زمینه و جایگاهی دانست که واسطه ورود فرد به عرصه جامعه است. به تعبیر باروم خانواده یکی از نهادهای اجتماعی است که به لحاظ تأثیرگذاری بر اعضای خود و سطوح مختلف جامعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. جایگاه خانواده در بین نهادها یا گروهای دیگر اجتماعی به گونه ای است که برخی از جامعه شناسان معتقدند هرگونه اصلاح جامعه باید از خانواده شروع شود (oderinde,2013). نقش کلیدی تشکیل خانواده به گونه ای است که دین اسلام بسیار به آن تأکید کرده است. در واقع ازدواج در نگرش مکتب اسلام عاملی برای رهایی از آلودگی، تنهایی و وسیله ی بقای نسل می باشد. ازدواج با متغیرهای فردی و اجتماعی زیادی ارتباط و وابستگی دارد به گونه ای که نتایج پژوهش اسپارا و همکاران(۲۰۱۸)[۱] نشان می دهد که ارتباط زیادی بین میانگین امتیاز هوش افراد با احتمال ازدواج آن ها وجود دارد(Aspara et al,2018). وظایف خانواده متناسب با تغییرات و پیشرفت‌های دوران ساز صنعتی تغییر و تحولات گسترده‌ای داشته است به گونه‌ای که برخی از کارکردهای آن دیگر توسط سازمان‌ها و نهادهای دیگر انجام می‌شود(میشل، ۱۵۱:۱۳۸۳). لذا همان‌گونه که جایگاه ساختی و کارکردی خانواده تحت تأثیر اتفاقات جامعه از پیشرفت‌ها گرفته تا بحران‌های پیچیده تغییر کرده است؛ مکانیسم ورود افراد به خانواده یعنی ازدواج نیز از این قاعده مستثنا نبوده است و در مقایسه با ساخت های دیگر جامعه و تغییرات در بخش های صنعتی، خانواده نیز دچار تحولات زیادی شده است؛ به طور مثال شکل خانواده در دوران مدرن هسته ای شده است و فرد آزادی انتخاب همسر پیدا کرده است(Moghimi,2017).

آندره میشل[۲] در کتاب جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج تأکید بسیاری بر نقش ازدواج در بازتولید جامعه‌ای سالم قائل است. به عقیده وی، ازدواج مقدمه و لازمه تشکیل خانواده است. سلامت جامعه و خانواده نیز وابسته به ازدواجی سالم و پردوام است (میشل، ۱۵۱:۱۳۸۳). خانواده زمینه ای است که در آن فرزندان آماده ورود به زندگی مشترک می شوند که نوع مکانیسم آن در جوامع مختلف متفاوت است. ازدواج از وقایع مهم حیاتی است و به عنوان پیوندی با ثبات میان زن و مرد تلقی می شود و البته شکل این ارتباطات می تواند با توجه به فرهنگ ها متمایز باشد. همزمان با دگرگونی در ساختار خانواده، ازدواج نیز دچار تغییر و تحولات گسترده ای شد مثلاً انواع و اشکال ازدواج به وجود آمد مانند هم خانگی و ...

۱. J.Aspara et al
۲. Andrew Michelle

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

چرا که قبل از آن عموماً ازدواج ها شکل قانونی داشتند. ازدواج های قانون عام ازدواج هایی هستند که با صدور مجوز یا مراسم قبلی روی می دهد (Wagner at al ,2020). البته بسیاری از انواع ازدواج ها که قبلاً نامتعارف تلقی می شدند در بسیاری از فرهنگ ها تا حدودی پذیرفته شده اند. نقطه مشترک همه ی اینها مورد تأکید بودن پیوند ازدواج فارغ از هر تمایزاتی است. به طور مثال اگر چه امروزه ازدواج در آمریکا به طور فردی صورت می گیرد اما تقریباً همه آمریکایی ها چه به لحاظ خصیصه ای و چه افراد، از ازدواج به عنوان یک ایده آل پیروی می کنند (Cherlin ,2014). بنابراین از دیگر تغییرات به وقوع پیوسته در نهاد ازدواج به تأخیر افتادن سن ازدواج در اکثریت جوامع و همچنین جامعه ایرانی است. تأخیر در ازدواج کارکردهای خانواده را با مشکل روبرو ساخته و خود موجب بروز پیامدهایی چون: اعتیاد، انحرافات جنسی، پرخاشگری و فشارهای روانی می شود(Weijer . et al, 2020). امر ازدواج و تشکیل خانواده نیازمند دارا بودن حداقلی از منابع مختلف اعم از اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که جوانان مختلف برای تخصیص این شرایط لازمه باید به حداقلی از شرایط تحصیلی و شغلی برسند. همین امر و وجود مشکلات ساختاری در سطوح کلان جامعه موجب ظهور مشکلاتی شده که تأخیر در سن ازدواج یکی از این مسائل بسیار مهم هست که گریبان گیر نهاد خانواده در اکثریت جوامع است. لوکاس[1] تأخیر در سن ازدواج را محدود به جوامع توسعه یافته نمی‌داند از نظر وی جوامع انسانی طی دو قرن اخیر شاهد افزایش قابل توجه سن ازدواج بوده‌اند. این افزایش نخست در کشورهای اروپایی سپس در قرن بیستم به کشورهای در حال توسعه سرایت کرده است (لوکاس و میر، ۱۲۹:۱۳۹٤). تأخیر در ازدواج به عنوان یک متغیر وابسته توسط صاحب‌نظران مختلف اقتصادی و اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، به نظر اقتصاد دانان در دوره‌های رکود و به طورکلی بحران‌های اقتصادی و بدی محصول و نیز بحران‌های سیاسی و طبیعی چون جنگ، انقلاب، زلزله و ازدواج به تأخیر می‌افتد (سگالن،۱۳۹۳: ۱۲۷). فرزند آوری یکی از دلایل مهم ازدواج محسوب می‌شود که حضور آن‌ها می‌تواند به افزایش پس‌انداز، یا باعث کاهش آن شود (zissimopouloS,2009). که در صورت کاهش آن ما شاهد آسیب هم در حوزه فردی و هم اختلال در سیستم اجتماعی خواهیم بود مانند مسن شدن نیروی انسانی، پیرتر شدن جامعه و... . با توجه به تحقیقات کار شده از دیگر پیامدهای بالا رفتن سن و تأخیر در ازدواج می‌توان به ناباروری، رابطه جنسی قبل از ازدواج، استرس و تأثیر روانی و اجتماعی آن. تأخیر در ازدواج باعث ناهنجاری در کودکان شده و موجب مشکلاتی چون تولد نوزادان مبتلا به سندرم داون (Karamat,2016).

چیزی که در مسئله نام برده شده مشهود است حضور داشتن جوانانی از طبقات اجتماعی گوناگون، قشرهای مختلف و سبک‌های مختلف زندگانی در میان دختران و پسران مجرد است که در این بین می‌توان به جوانان حاشیه‌نشین اشاره کرد. کاملاً آشکار است که وضعیت اقتصادی و اجتماعی به میزان زیادی بر روی دیدگاه انتخاب شریک ازدواج تأثیر گذار است(Maliki ,2011). بر اساس مطالعات انجام‌شده در زمینه حاشیه‌نشینی در ایران می‌توان گفت که مهم‌ترین ویژگی‌های آن، ساخت و ساز نامناسب، فقر فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی، بیکاری، اشتغال کاذب، دسترسی ناکافی به امکانات رفاهی، بهداشتی و آموزشی، آلودگی محیط زیست، عدم توانایی شهرداری‌ها برای ارائه خدمات مناسب در این

[1].Lucas

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

مناطق، قومیت‌گرایی و از این قبیل مسائل که گریبان گیر ساکنان این مناطق است و نتیجه آن افزایش و شدت روزافزون این مسائل فقر و محرومیت از سایر حقوق شهروندی برای ساکنان این مناطق است. در حال حاضر تعداد جوانان در آستانه ازدواج حدود ۱۲ میلیون نفر می باشد. پر واضح است دلایل و نتایج تأخیر ازدواج جوانان در مناطق حاشیه نشین مورد مطالعه می تواند متوجه ابعاد خرد و کلان مناطق گفته شده باشد. پس برای جلوگیری از دچار شدن به آسیب های تجرد با سنین بالا قبل از هر چیز نیازمند شناختن مسئله و در قدم بعدی چاره اندیشی به وسیله سیاستگذاری های لازمه در باب مسئله می باشیم.

اهمیت و ضرورت پژوهش در این است که پژوهش در مورد ازدواج از پر اهمیت ترین حوزه های مطالعاتی جامعه شناسی می باشد در همین رابطه آلن ژیرار، در باب مهم بودن ازدواج در کتاب خود با عنوان (انتخاب همسر در فرانسه معاصر) به این نکته تأکید می کند که در میان کل مراسمات، آداب و حوادث بنیادی زندگی انسانی، ازدواج از اهمیتی اساسی برخوردار است، هم از دیدگاه زیستی و هم از نگرش فردی و هم از نقطه نظر اجتماعی نمی توان نهادی یافت که مانند آن(ازدواج) جهانی، و از نظر اهداف ثابت و پایدار باشد. اهمیت پژوهش به لحاظ نظری این است که از یک سو در تلاش است با شناخت عوامل مختلفی که ارتباط مستقیمی با امر ازدواج دارند و مهم تر از آن شناسایی این علل به واسطه هر دو جنس، و مقایسه نظرات آن ها در باب موضوع، به درک هر چه بهتر متغیرهای گوناگون مؤثر تأخیر در سن ازدواج برسد. به لحاظ عملی نیز ضرورت پژوهش در این است که به واسطه این تحقیق و با مقایسه نگرش های دو جنس راجع به عوامل تأخیر در سن ازدواج، هم موفق به شناخت عوامل مختلفی که اثر گذار در امر افزایش سن ازدواج هستند، می شویم و همچنین با ارائه راهکارهای عملی مناسب می توان کمک شایانی به برنامه ریزان و دولت مردان و الخصوص خانواده ها برای چاره جویی و از میان برداشتن این عوامل اثر گذار کرد. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که نگرش دختران و پسران در مورد تأخیر در ازدواج چه تفاوت هایی با هم دارند؟ و به مقایسه این نگرش ها در بین دو جنس در مناطق حاشیه‌نشین پرداخته می شود.

اهداف تحقیق

هدف اصلی

هدف کلی ما در پژوهش حاضر؛ مقایسه نگرش های جوانان، جهت شناخت تفاوت و تشابه نگرش آن ها در خصوص تأخیر در سن ازدواج است.

اهداف جزئی

- شناخت رابطه بین برخورداری از استقلال اقتصادی در نگرش به ازدواج در بین دختران.
- شناخت رابطه بین موانع اقتصادی و نگرش به ازدواج در بین پسران.
- شناخت رابطه بین فضای اجتماعی و نگرش به ازدواج در بین پسران.
- شناخت رابطه بین داغ ننگ و نگرش به ازدواج در بین دختران.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

پیشینه پژوهش

تحقیقات داخلی

– عسکری ندوشن و همکاران(۱۳۹۵) در تحقیق خود به تفاوت نگرش دو جنس در عوامل تأخیر در ازدواج شان اشاره کردند. طبق یافته ها میانگین دامنه سنی مطلوب ازدواج دختران و پسران از نظر زنان شهر یزد به ترتیب۲۲.۵ و۲۷.۵ است. همچنین متغیرهای تحصیلات پاسخ گو، تحصیلات والدین، خود تحقق بخشی، نگرش به برابری جنسیتی، فردگرایی و سرمایه فرهنگی رابطه مستقیم و معنادار و در مقابل، متغیر پایبندی به ارزش های دینی رابطه معکوس و معناداری با نگرش به حداقل و حداکثر سن مناسب ازدواج دختران دارند.

– نتیجه پژوهش التجائی (۱۳۹۵) نشان داد که افزایش تورم و بی کاری و مشکلات اقتصادی باعث افزایش در سن ازدواج مردان و زنان می شود. ولی متغیرهای تحصیلات و میزان درآمد آثار معناداری از خود نشان ندادند.

– نتیجه پایان نامه عباسی(۱۳۹۵) نشان داد که میان فضای همسرگزینی، پایگاه اجتماعی– اقتصادی فرد، دین داری فرد و میزان استفاده از رسانه ها با میزان سن ازدواج ارتباط معناداری وجود دارد، ولی این ارتباط میان پایگاه اقتصادی– اجتماعی خانواده پاسخگو، سرمایه اجتماعی، ساختار خانواده، مناسبات خارج از ازدواج و همچنین تجربه طلاق اطرافیان با سن ازدواج او منفی بود.

– نتایج پایان‌نامه مردانه (۱۳۹٤) نشان داد که ارتباط مستقیمی میان عوامل فردی (مانند عدم اعتیاد، تحصیلات، ظاهر و ...) تسهیل گر ازدواج و گرایش به ازدواج وجود دارد. همچنین میان عوامل اجتماعی آسان کننده ازدواج و میل به ازدواج دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد؛ و در نهایت میان سن و جنسیت افراد و میزان گرایش به ازدواج رابطه ی معناداری وجود ندارد.

– یافته های پژوهش شفائی مقدم (۱۳۹٤) نشان داد که میان متغیرهای خانواده، شرایط اقتصادی، افزایش توقعات، بی کاری، بالا رفتن سطح مخارج، آسیب ها و انحرافات اجتماعی و کارکرد نامناسب رسانه ها، ترس از آینده و باورهای دینی با متغیر نگرش به امر ازدواج رابطه معناداری وجود دارد.

– نتایج پژوهش غفاریان مبهوت(۱۳۹٤) نشان داد که افراد به دنبال این هستند تا در زمینه ازدواج به بیشترین نفع برسند. بر طبق نظریه اقتصادی، ازدواج به عنوان یک بازار در نظر گرفته می شود که افراد تلاش می کنند بهترین انتخاب را داشته باشند، همچنین حمایت شخص از طرف خانواده برای تحصیل نیز موجب بالا رفتن سن ازدواج می شود. زندگی اطرافیان و نتایج ناگوار زندگی آن ها نیز بر بالا رفتن سن ازدواج تأثیر می گذارد. یافته ها نشان داد که با ایجاد شدن فرصت های شغلی و استقلال اقتصادی برای زنان و به وجود آوردن برنامه های حمایتی برای آن ها، اراده آن ها در انتخاب همسر و تجرد بیشتر شده و احتمال زیادی دارد که ازدواج آن ها به تأخیر بیفتد.

– یافته های پژوهش قانع عزآبادی (۱۳۹۳) حاکی از آن است که عواملی مانند: سنگینی نگاه دیگران، ترحم های بی مورد، پرسش ها و کنجکاوی های مزمن، سرکوفت های خانواده، احساس سربار بودن، زدن برچسب ایرادات و القاب ناشایست،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

از جمله تجربه های دختران بالای ۳۰ سالی است که در برخورد با اطرافیان، به طور مستقیم و غیر مستقیم به آن ها نسبت داده می شود و در نهایت باعث به عقب افتادن سن ازدواج آن ها می شود.

– نتایج پایان‌نامه صفری قهساره (۱۳۹۲) نشان داد که بین مؤلفه‌های مؤثر بر تمایل به ازدواج یعنی: عوامل خانوادگی، فردی، فرهنگی جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی. بیشترین سطح همبستگی تمایل به ازدواج با مؤلفه فردی و روان‌شناختی نگرش به ازدواج و کمترین آن با مؤلفه اجتماعی نگرش نسبت به روابط دختر و پسر پیش از ازدواج است.

– محمودیان و همکاران(۱۳۹۲) در مقاله ای به این نتیجه دست یافت که متغیر محل سکونت، ارتباط و اثر معناداری با سن ازدواج زنان ندارد. ولی این ارتباط میان پایگاه اقتصادی – اجتماعی خانواده زنان با سن ازدواج آن ها معنادار بود. همچنین متغیرهای سطح تحصیلات، پایگاه اقتصادی – اجتماعی خانواده و موقعیت شغلی اثر معناداری بر سن ازدواج مردان دارند.

– یافته های پایان نامه مرادی و صفاریان (۱۳۹۱) نشان داد که متغیرهایی چون میزان دخالت والدین، سبک فرزند پروری، نابرابری جنسیتی، وضعیت مسکن و میزان اعتماد به نفس روی هم رفته ۰/٤۸ از فضای مفهومی متغیر وابسته (سن ازدواج) را تبیین و پیش‌بینی نموده است.

– یافته های پایان نامه بحیرائی (۱۳۹۱) نشان داد که در بین فاکتورهای تأثیرگذار مدرنیزاسیون بر افزایش سن ازدواج مؤلفه‌های چون میل به تحصیلات و اشتغال بر بالا رفتن سن ازدواج تأثیرگذار است. همچنین تورم و مشکلات اقتصادی موجب افزایش سن ازدواج نیز می‌شوند.

تحقیقات خارجی

– هالکولا[۱] (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان " نگاهی به نگرش های نسبت به تأخیر در سن ازدواج در یک جامعه سنتی" که در دانشگاه میشیگان شرقی به چاپ رسید، با انجام مصاحبه هایی تلاش کرد به نگرش و تفکرات زنان، انتخاب ها، استدلال آنها در باب ازدواج بپردازد. براساس نتایج، عواملی چون تحصیلات، آزادی جنسی، تاریخ، روابط خانوادگی در تأخیر سن ازدواج نقش دارد.

– در پژوهشی که گیست[۲] (۲۰۱۷) در آمریکا بر روی سوژه های اروپا و آمریکایی به انجام رساند، به این نتایج دست یافت که سن ازدواج در آمریکا و اروپا در حال دگرگونی و افزایش است و عوامل اقتصادی و همچنین نگرش برابری جنسیتی از دلایل تغییر در سن ازدواج می باشد.

– مایکل جبل و استفانی هین[۳](۲۰۱٦) رشد تحصیلات و بالا رفتن تحصیلات را عاملی می داند که در کشور اردن می تواند علل تأخیر در ازدواج زنان را توضیح دهد.

– اودریند[٤] (۲۰۱۳) مقاله ای به علل دیررسی ازدواج در میان بزرگسالان از دیدگاه اجتماعی و مذهبی و با استفاده از نظریه ننگ پرداخت و تأثیر آن را بر کلیسا با استفاده از رویکردهای توصیفی و تاریخی نشان می‌دهد. یافته‌ها بیانگر این است

---

۱. Halkola

۲. Geist, Claudia (2017)

۳. Gebel, M., & Heyne, S.(2016)

٤. oderinde olatundum A.M. (2013)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

که بسیاری از افراد برای برآورده کردن انتظارات اجتماعی و مذهبی به سمت ازدواج می‌روند و آن را عطیه الهی از جانب خدا می‌دانند هم مجرد و هم متأهل هدایای خداوند هستند یکی از نظر اخلاقی بهتر از دیگری نیست.

– انگ و داگلاس[۱] (۲۰۱۳) پژوهشی را با عنوان" در انتظار همسر ایده آل: معنای تجرد برای زنان چینی تحصیل کرده بالای ۳۰ سال در پکن و گوانگ ژو" با استفاده از روش پدیدار شناسی انجام دادند. به عقیده آن ها اگر چه تجرد دختران در کشورهای غربی تبدیل به یک سبک زندگی شده، ولی در جامعه معاصر چین به زنانی که مجردند و بالای ۳۰ سال سن دارند به عنوان یک استثناء نگاه می شود. آن ها به این نتیجه رسیدند که ارزش های اجتماعی خانواده های سنتی چین به زنان بالای ۳۰ ساله مجرد فشار می آورد.

– لاهاد[۲] (۲۰۱۳) در مقاله خود تجرد گزینی زنان را یک معضل اجتماعی می داند. هدف اصلی پژوهش وی بررسی و تجزیه و تحلیل بر چسب گزینش شونده است که جامعه بر زنان مجرد دارد و تأثیر گزینش شوندگی بر آنان و محدودیت هایی که در زنان ایجاد می کند. تحلیل متن نشان داد که در انتقال از هنجار تا تجرد، زنان مجرد حق خود را برای حفظ موضع انتخاب کنندشان از دست داده اند.

– اسمیت، استون و کاهندو[۳] (۲۰۱۲) پژوهشی را با روش اسنادی انجام دادند و هدف آن شناخت تأثیر تحصیلات زنان بر روی سن ازدواج آن ها بوده است. از عوامل تأثیر گذار بر سن ازدواج، که در این پژوهش مورد تأکید قرار گرفت عبارت اند از تحصیلات، مکان سکونت، شاغل بودن، میزان تحصیلات والدین به خصوص مادر. نتایج این پژوهش نشان داد که دختران تحصیل کرده از استقلال برخوردار بوده و اختیار بیشتری در مجرد ماندن دارند. همچنین دختران با تحصیلات عالیه، فرصت ها و پتانسیل های بیشتری برای اشتغال و درآمد زایی دارند و در زمینه نگرش به جهان پیرامون نیز، دختران تحصیل کرده از نگرش فراری برخوردارند.

– تور[٤] (۲۰۱۱) در پژوهش خود با عنوان بررسی تغییر رابطه بین آموزش و ازدواج در آمریکا پرداخت. وی از داده های سرشماری ۱۰ ساله از سال ۱۹٤۰ تا ۲۰۰۰ از ادغام عمومی دارای داده های خرد استفاده کرد. جمعیت نمونه آن ۲۵ تا ۳۹ بوده است. در تحلیل داده ها نیز از رگرسیون لجستیک چندگانه استفاده شد. براساس نتایج رابطه منفی بین ازدواج و آموزش برای زنان وجود دارد. همچنین بین پایگاه های اقتصادی و ازدواج زنان رابطه وجود داشت و این رابطه به علت نقش های جنسیتی و هنجارهای موجود در شرکت آنان در بازار کار وجود داشت.

– شارپ و گونانگ[٥] (۲۰۱۱) به بررسی ادراک زنان مجرد از محیط اجتماعی شان با استفاده از روش پدیدار شناسی توصیفی پرداختند. هدف مقاله فوق این بوده که با به بررسی پیام های خانوادگی و اجتماعی بپردازد که این زنان مجرد تا اواخر دهه ۲۰ و اواسط ۳۰ سالگی دریافت می کنند. طبق نتایج تحقیق افکار و اعمال پاسخگویان تحت تأثیر و هدایت محیط اجتماعی از جمله زندگی اطرافیان، همکاران و دیدگاه های اعضای خانواده شان قرار دارد.

---

۱. Wang& Abbott(2013)
۲. Lahad (2013)
۳. Smith,C.A.,Stone,R.P& ,.Kahando, S .(2012)
٤. Torr(۲۰۱۱)
٥. Sharp & Ganong(۲۰۱۱)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

– سیمون[۱](۲۰۱۰) در اثر خود با نام " زنان هرگز ازدواج نکرده" با ۵۰ زن آمریکایی مصاحبه کرد که هرگز ازدواج نکرده بودند. مصاحبه ها به صورت بحث های خود زندگی نامه نگاری انجام داد. سیمون عمدتاً به جای ارائه تصویری از پیر دختران منفعل و غمگین گروهی از زنان مستقل و متکی به خود را نشان می دهد که خودشان مجرد بودن را انتخاب کرده اند.

– کاولفید[۲] (۲۰۰۹) در پژوهش خود با عنوان " زندگی بدون ازدواج: واقعیت هایی در مورد زنان مجرد در دهلی نو" مطالعه میدانی در میان جامعه آماری زنان طبقه متوسط انجام داد که برای ادامه تحصیل یا اشتغال به دهلی آمده بودند. به عقیده وی تجرد زنان واقعیتی تدریجی اما رو به رشد در بسیاری از اجتماعات طبقات متوسط شهر در جوامع معاصر است. به طور کلی مجرد بودن در دهلی به طور همزمان هم توانمند کننده و هم محدود کننده می باشد. علی رغم انتخاب آن ها مبنی بر اینکه می خواهند مجرد بمانند ولی زندگی بیشتر آن ها آگاهانه یا ناآگاهانه به وسیله محدودیت های ساختاری و روابط اجتماعی جامعه و پدرسالارانه محدود شده است.

– در پژوهشی دیگر همیلتون و سیون[۳] (۲۰۰۷) با عنوان (طبقه، جنسیت و ازدواج) در تأثیر عوامل اجتماعی بر میزان افزایش تقاضا در امر ازدواج میان مردان و زنان به این نتایج رسیدند، این که شخص تمایل به سمت ازدواج نشان دهد یا ندهد وابسته به وضعیت اقتصادی، اجتماعی اشخاص دارد یعنی کسانی که در سطح وضعیت اقتصادی و اجتماعی مناسبی به سر می برند تمایل بیشتری به سمت ازدواج دارند.

فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی

بین نگرش دختران و پسران در تأخیر در ازدواج تفاوت وجود دارد.

فرضیه های فرعی

۱. بین فضای اجتماعی و نگرش پسران از تأخیر در ازدواج رابطه وجود دارد.
۲. بین برخورداری از استقلال اقتصادی و نگرش دختران از تأخیر در ازدواج رابطه وجود دارد.
۳. بین موانع اقتصادی و نگرش پسران از تأخیر در ازدواج رابطه وجود دارد.
۴. بین خوردن داغ ننگ و نگرش دختران از تأخیر در ازدواج رابطه وجود دارد.

چارچوب نظری

پدیده تأخیر در ازدواج می تواند منبعث از عوامل گوناگونی باشد که نظریه های خانواده و ازدواج سعی در فهم آن دارند. تئوری های مختلف زمینه ها و عوامل اکتسابی و انتسابی موجد تأخیر سن ازدواج را بررسی می کنند. مثلاً نتایج نشان می دهد که فرزندان والدین زندانی کمتر احتمال می رود که ازدواج کنند اما وقتی ازدواج می کنند این کار را در سن پایین تر انجام می دهند(Weijer .et al ,2020). نظریات گوناگون با توجه به دیدگاه خود تلاش کرده اند عوامل متنوع تأخیر

۱.Simon(2010)
۲.Caulfield (2009)
۳.Hamilton G and Siow A (2007)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

در سن ازدواج را تبیین کنند. به طور مثال فمینیست ها استدلال کرده اند فرودستی زنان از طریق طیف گسترده ای از نهادها و عملکردهای اجتماعی رخ می دهد؛ یعنی انقیاد زنان را باید در قالب شرایط ساختاری فهمید. فمینیست ها این فرودستی ساختاری زنان را پدرسالاری می نامند؛ مفهومی که بر خانواده پدر سر، مردانگی و فرادستی دلالت دارد (بارکر،۱۳۹٦:٤۷۷). و این تفکر را گاهی با نژاد پرستی ارتباط می دهند یعنی مردان به عنوان متجاوزان به زنان وسیله اصلی حمایت از نژاد بوده اند (Keskinen,2017).

نظریه دیگر، دیدگاه مدرنیزاسیون است که تئوریسین اصلی آن ویلیام گود می باشد، از نقطه نظر این دیدگاه می توان از سه فرایند و مرحله مؤثر (صنعتی شدن، شهرنشینی، آموزش همگانی) در دگرگونی الگوهای ازدواج نام برد و این دگرگونی در جهت انطباق سازمان دهی خانواده و ازدواج با دگرگونی هایی که در عرصه جامعه اعم از شرایط اقتصادی و نظام اجتماعی پدید آمده است می باشد(وکیلی، ۱۳۹۲). مرتون در دیدگاه خود به هماهنگی وسایل و اهداف اشاره می کند یعنی ما زمانی شاهد ازدواج خواهیم بود که جامعه بر اساس اصل اساسی جامعه شناسی یعنی اصل راهها و اهداف و مطابقت میان این دو، سازماندهی شود و متناسب با اهداف بتواند راههای وصول به آن را نیز معین کند تا ساختارهای جامعه در حالتی متعادل و منسجم حفظ شود و به عمر خود ادامه دهد (تنهایی، ۱۳۹٦:۷۱). تئوری های مختلفی نیز به اقتصاد توجه می کنند. بسیاری از پژوهش ها به ارتباط عوامل اقتصادی با متغیرهای گوناگون پرداخته است به طور مثال طبق تحقیقاتی، درآمد خانواده و وضعیت اقتصادی و اجتماعی مناسب تأثیر مثبتی بر سطوح بالاتر رضایت از زندگی دارند اقتصاد و خانواده به عنوان دو نهاد اجتماعی مرتبط و پیوسته در نظام اجتماعی هستند، رابطه میان زن و شوهر در ازدواج به طور خیلی متفاوت به شرایط اقتصادی آنها بستگی دارد. برای مثال موقعیت زن مشغول به کار و زنی که از موقعیت شغلی بی بهره است، از وجوه گوناگون با یکدیگر متمایز می باشد واین دو در زمینه ازدواج و بطن زندگی متأهلی از شرایط مختلفی برخوردار هستند (آزاد ارمکی:۱۳۹۸ ۲۷-۲٦). (Hyunsu oh,2018). با توجه به مباحث فوق چارچوب نظری پژوهش به شرح زیر می باشد:

داغ ننگ گافمن

اروینگ گافمن[1] (۱۹۸۲-۱۹۲۲) بر این باور است که افراد در جهانی از پیش ساخته وارد می شوند و خودشان کار کمی در برساختن جهان خویش انجام می دهند(الیوت و ترنر،۱۳۹۰:۱۷۳). گافمن در کتاب مشهور خود یعنی کتاب داغ ننگ (۱۹٦۳) علاوه بر توجه به افرادی که به حاشیه رانده شده اند، به کنش متقابل میان آدم های داغ خورده و افراد معمولی می پردازد (گافمن،13:1397). اصطلاح داغ ننگ در معناهای دیگری هم به کار رفته است ولی مضمون اصلی آن بیشتر به رسوایی و ننگ اشاره دارد. گفتنی است که داغ ننگ به مسئله هویت هایی اشاره دارد که خدشه دار شده اند و اعضای جامعه به آن به گونه ای دیگر نگاه می کنند، ولی داغ خوردگان به واسطه نمایش دادن هویت و ویژگی های رفتاری جدید در برابر سرکوب گری موقعیت خویش ایستادگی می کنند، یعنی همان تفاوت میان هویت اجتماعی بالفعل و بالقوه (همان؛۳۱). در دسته بندی انواع داغ ننگ گافمن از سه نوع داغ ننگ سخن می گوید. باید توجه داشت داغی که بر پیشانی

[1]. Erving Goffman

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شخص خاصی می خورد برخواسته از هویت اجتماعی است که دیگران برای آن شخص تعریف می کنند و همین هویت اجتماعی است که به ما اجازه می دهد فرایند خوردن داغ ننگ را بررسی کنیم ولی از طرف دیگر مفهوم هویت شخص به ما اجازه خواهد داد نقش کنترل اطلاعات و مکانیسم های آن را در چاره اندیشی برای داغ ننگ را مورد بررسی قرار دهیم. با توجه به مطالب گفته شده، این نتیجه را می توان گرفت که در واقع داغ می تواند هر آن چیزی باشد که با معیارهای مسلط بر جامعه یا به تعبیری دیگر با هنجارها هم خوانی نداشته باشد. این تئوری می تواند تا حدودی عوامل تجرد و پیامدهای آن را در مناطق حاشیه نشین نشان دهد، چرا که بخاطر حاکم بودن هنجارهایی مبنی بر ازدواج زودرس در مناطق حاشیه نشین، دخترانی که به هر دلیل کمی از آن سن مورد مشخص فاصله بگیرند به گونه ای توسط خانواده های اطرافیان یا خویشاوندان مطرح شده و سر زبان ها می افتند و در نهایت انگ پیر دختری می خورند و ازدواج آن ها بیشتر با تأخیر مواجه می شوند و مهمتر از آن بیشتر موجب سرخوردگی می شود. به گونه ای که وقتی انگ زنی ها در جامعه بسط پیدا کند شاهد پذیرش آن از طرف سوژه برچسب خورده خواهیم بود که موجب مسائل روحی نیز می شود که این در قومیت های مختلف نقش متنوعی را بازی می کند. این مسئله در بین دختران مشکلات بیشتری به وجود می آورد و آن وقتی هست که زنان متأهل یک فاصله فرهنگی بین خود و دختران مجرد می بینند که از نظر آن ها این بر چسب تنها با ازدواج کردن اصلاح خواهد شد.

نظریه سرمایه انسانی اوپنهایمر

موقعیت درآمدی مردان جوان مخصوصاً در بین جوامعی که نقش اقتصادی شوهر به عنوان نان آور خانواده مورد تأکید است، هم چنان از اهمیت زیادی برخوردار می باشد. در این وضعیت مدت زمانی که طول می کشد تا مردان از یک شغل پایدار و تقریباً دائمی برخوردار باشند، زیاد می شود و از سن ازدواج آن ها می گذرد و این موضوع بصورت مستقیم و غیر مستقیم بر روی تصمیم بر ازدواج آن ها تأثیر می گذارد. پسران سعی می کنند و تمایلشان در این است که متأهل شدن شان را تا پیدا کردن یک شغل مناسب، برای به دست آوردن توانایی اقتصادی در اداره هزینه های ازدواج به تأخیر اندازند. هم چنین دگرگونی در نقش های اقتصادی –اجتماعی زنان نیز بر عملکرد بازار ازدواج اثرگذار است و از لحاظ ادبیات اقتصادی و اجتماعی، بسط میزان سهم مشارکتی زنان در شغل ها، رسیدن به استقلال اقتصادی و مهم تر از آن تحصیلات موجب تأخیر در ازدواج آن ها می شود. اوپنهایمر در نظریه سرمایه انسانی خود به تأثیر تحصیلات و افزایش آن بر دیررسی و دیر کرد پذیرش ازدواج از طرف دختران پرداخته است، وی در این نظریه اذعان می کند که با ظهور و بسط پیامدهای مدرنیته مثل: افزایش صنعتی شدن، گسترش شهرنشینی و خصوصاً تحصیلات دختران، می بایست شاهد این باشیم که سن ازدواج دختران افزایش یابد و این اتفاق را می توان بیشتر در جوامعی که از این شاخصه ها برخوردارند مشاهده کرد. از نظر وی علت اصلی افزایش سن ازدواج سرمایه انسانی و به معنی واقعی تحصیلات است، بر طبق این تئوری افزایش تحصیلات دختران موجب استقلال ذهنی و آزادی هرچه زیادتر آن ها از اطرافیان به خصوص والدین خود شده و در نتیجه تغییری از ازدواج ترتیب داده شده به ازدواج خود انتخابی رخ می دهد و ازدواج را بر حسب معیارهای شخصی تعریف کرده و موجب به تأخیر افتادن آن می شود (حبیب پورگتابی و غفاری؛ ۱۳۹۰). با بهتر شدن و مناسب

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شدن شرایط اقتصادی برای مردان افزایش گرایش به ازدواج در بین آن ها قابل انتظار است و از طرفی دیگر با مناسب شدن و بهبود فرصت های اشتغال در بازار برای زنان، و در نهایت با بالا رفتن سطح تحصیلات آن ها، منافعی که امکان داشت به واسطه ازدواج عاید آن ها شود، برای آن ها کاهش پیدا کرده و همین امر باعث به تأخیر افتادن و عدم گرایش به ازدواج در آن ها می شود (اوپنهایمر به نقل از غفاریان مبهوت؛ ۱۳۹٤، ۲۱).

نظریه تورم رکودی

از مهم ترین نظریات موجود برای تشریح علل مشکلات و مسائل مربوط به تأخیر در ازدواج، تئوری تورم رکودی است که جزء تئوری های اقتصادی می باشد (بهنام،۱۳۸٤:۲۲). از مشکلات و مسائل عمده ای که کشورهای در حال گذار با آن مواجه می شوند تورم و رکود ساختاری است، در واقع با افزایش بهداشت عمومی نرخ مرگ و میر کاهش پیدا کرده و موجب بالا رفتن جمعیت می شود به این صورت که افزایش جمعیت و توسعه نسبی امکانات جهت تقاضای کل افزایش می یابد و در نهایت تورم ساختاری به وجود می آید. کشورهایی که وضعیت گذار را تجربه کردند و یا در اوان توسعه صنعتی می باشند، سن متوسط ازدواج آن ها بالا می رود که پدیده مورد نظر در جوامعی چون ژاپن، هند، آمریکا و جوامع غربی قابل مشاهده است. احتمالاً در سطوح کلان علت اصلی افزایش سن ازدواج منبعث از وجود ساختار اقتصادی در حال گذار این کشورها می باشد. چرا که همواره در ابتدای دوره های رشد صنعت و به دنبال آن پتانسیل آزادی فردی و کم شدن حضور والدین در امر ازدواج و پایین بودن سطح زندگی و همچنین بیکاری، باعث افزایش متوسط سن ازدواج می شود (میشل ،۱۳۸۳؛۱٤٦). مسائل و مشکلاتی که از نظر اقتصادی مانع ازدواج جوانان می شود می توان به بحران هایی چون: حجم نقدینگی، تورم، رکود، کم شدن حجم تولید، بیکاری و مصرف گرایی بالا و بالا رفتن انتظارات اشاره کرد که اثرات منفی بر سن ازدواج جوانان گذاشته است (مجدالدین ،۱۳۸٦؛۱٤۱).

اگر دقیق تر بنگریم مفهوم تورم رکودی نوع ویژه ای از تورم است که در عین حال که قیمت ها بالاست، پول دست مردم نیز کم است و توانایی خرید و قدرت و انجام معاملات و تقاضا برای فراهم کردن کالا پایین است. این تورم رکودی از دهه ۱۹۷۰ در متون اقتصادی و محافل و مجامع علمی مطرح و شناسایی شد. در حالت عادی و شرایط معمولی وقتی که تورم وجود دارد فعالیت های اقتصادی نیز زیاد است و کسادی بر بازار مستولی نمی شود، ولی زمانی که تورم رکودی به وجود می آید این روال دیگر با شرایط عادی منطبق نیست، چرا که قیمت ها در حال افزایش بوده و تورم و بیکاری با هم بالا می روند (دادگر و همکاران،۱۳۹۱؛٤۳). بنابراین طبق این تئوری در دوره های رونق اقتصادی مردم بیشتر ازدواج می کنند و بالعکس در زمان های بحران و رکود میزان ازدواج ها به تأخیر می افتد.

نظریه فضای اجتماعی پیر بوردیو

از نگاه بوردیو فضای اجتماعی از مجموعه میدان های اجتماعی ساخته شده است که عاملان اجتماعی بسته به اینکه چه جایگاهی در توزیع سرمایه های فرهنگی و اقتصادی دارند دسته بندی می شوند (بوردیو،۱۳۹۳، ٦۳). پس چگونگی موقعیت کنشگران در میدان ها وابسته به این است که چه سرمایه هایی در دسترس دارند. بوردیو در تعریف طبقه به الگوی تمایز در میدان های اجتماعی براساس سرمایه توجه دارد که این تعریف می تواند برخوردها، امیال و دوستی ها را

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

پیش بینی کند (همان ٤١-٤٢). هم جواری درون فضا این معنا مستفاد می شود که افراد نزدیک در میدان، دارای سلایق، سبک زندگی و خلق و خوی یکسانی هستند. پس در یک جمع بندی کلی تا به این جا به این می رسیم که از نظر بوردیو فضای اجتماعی اولین و آخرین واقعیت موجود است. از نظر وی این فضا به وسیله میدان های اجتماعی ساخته شده است. عاملان اجتماعی در درون این میدان ها از جایگاه گوناگونی متناسب با سرمایه اقتصادی و فرهنگی برخوردارند، مانند سرمایه اقتصادی (ثروت)، سرمایه فرهنگی (دانش)، سرمایه نمادین(پرستیژ) و سرمایه اجتماعی (پیوندهای اجتماعی و اعتماد). بوردیو در کتاب مهم و تأثیر گذار تمایز به سبک زندگی تأکید می کند. تمایزهای اجتماعی مختلف را می شود در مجموعه اعمال گوناگون اجتماعی نظاره کرد که بر طبق عادتواره هایی که طبقات مختلف از آن برخوردارند (یعنی براساس برخورداری از سرمایه های مختلف) در فضای اجتماعی جای گرفته است. این سبک های متنوع زندگی، خود را در سلایق و اوقات فراغت و طرفداری سیاسی در فضای کلی اجتماعی نشان می دهد.

به زعم بوردیو از سرمایه های مختلف افراد آنچه که در تعیین جایگاه طبقاتی افراد اهمیت زیادی دارد سرمایه های اقتصادی و فرهنگی می باشد، که از اصول بنیادی تمایز در جوامع مدرن است. نظر بوردیو در تحلیل فضای اجتماعی چنین است که، وی برای نشان دادن نقش سرمایه های مختلف در ساخت یابی فضای اجتماعی، فضای اجتماعی را به سه طبقه تقسیم بندی می کند: اول، طبقه مسلط که با برتری سرمایه ای مشخص می شود، به دو زیر طبقه ۱: سنتی، یعنی صاحبان مؤسسات بزرگ ۲: بورژوازی جدید که از کادرهای عالی بخش خصوصی، مدیران عالی رتبه که بیشتر دارای ظرفیت فرهنگی هستند، تقسیم می شود. طبقه دوم شامل خرده بورژوازی، که نسبت به طبقه اول فاقد استقلال هستند و به سه شاخه فرعی، سنتی، اجرایی و کادرهای متوسط و واحد های خصوصی تقسیم می شوند که بخشی از آن ها سرمایه فرهنگی قوی تری دارند و در نهایت طبقه سوم که توده ی مردم هستند که ویژگی اصلی آن ها فقدان مالکیت است و در انتهای فضای اجتماعی قرار می گیرند. بنابراین پاره طبقه ها تفاوت های خود را در سلیقه های فرهنگی خاص و ویژه خود نشان می دهند، پس از نظر بوردیو معنای سلیقه را می شود این گونه تعریف کرد که سلیقه گرایش و توانایی تصرف (مادی و نمادین) چیز یا مقوله معینی از ابژه ها یا اعمال طبقه بندی شده و طبقه بندی کننده، در سبک زندگی است. همچنین مجموعه یکسان و متحدی از ترجیحات تمایز بخش که می خواهد ابراز گروهی واحدی را در منطق خاص هر خرده قضایا طبقه نمادین به نمایش بگذارد (بوردیو، ۲۳:۱۳۹۳). بوردیو تأکید می کند که هر میدانی به نوع و شکل خاصی از سرمایه و منابع اهمیت می دهد. پس میدان ها از دانشگاه گرفته تا ورزش، مدارس و اقتصاد، قابل تقلیل به یک دیگر نیستند بلکه متشکل از افرادی هستند که برخوردار از منابع گوناگونی (انواع گوناگون سرمایه) می باشند و برای به دست آوردن منزلت و ثروت و قدرت تلاش می کنند (سیدمن، ۱۳۸۸؛ ۱۹۸).

ابزار و روش پژوهش

روش بکار رفته در پژوهش بصورت پیمایشی است و جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دختران و پسران ۲۵ تا ۳۵ سال هرگز ازدواج نکرده دو شهر حاشیه نشین پاکدشت و شهریار هستند که طبق سرشماری ۱۳۹۵جمعیت آنها ٤٨٠٨٨ نفر می باشد (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵). نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۱ نفر می باشد که در این روش دو شهر را

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

به ٤ ناحیه شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم کرده و در هر کدام از این ناحیه ها دو محله انتخاب می کنیم و در نهایت به نسبت تراکم جمعیت محله ها پرسشنامه توزیع می گردد.

تعریف نظری و عملیاتی نگرش: نگرش را می توان یک نوع آمادگی فکری دانست که در حیطه عمل و تجربه سازمان دهی می شود و بر روی واکنش های افراد نسبت به کلیه موقعیت ها، پدیده های گوناگون و وضعیت هایی که با آن ها سروکار دارند، تأثیری جهت دهنده و دگرگون کننده می گذارد. پس نگرش مجموعه عقاید، شناخت ها، باورها و نگاه دینامیک یا سنتی است که در نوع نگاه افراد به مقوله های مربوط به ازدواج از قبیل سن ازدواج، عوامل تسهیل گر یا موانع آفرین ازدواج، مسائل عشق و... نهفته است. تعریف عملیاتی نگرش، میزان نمره ای می باشد که سوژه های مورد نظر (دختران و پسران) در نتیجه پاسخ به پرسشنامه نگرش سنج (نوع نگرش درمورد عوامل تأخیر در سن ازدواج) به دست می آورند. نوع نگرش به عوامل تأخیر در سن ازدواج می تواند به ابعاد مختلف: فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی تقسیم شود.

تعریف نظری و عملیاتی جنسیت: جنسیت از نظر مفهوم و تعریف با جنس تفاوت و تمایز دارد. جنس شامل تمامی ابعاد و ویژگی های مردانگی و زنانگی افراد بوده و یک مفهوم بیولوژیکی است اما جنسیت شامل خصوصیات و صفات اجتماعی و اقتصادی دو جنس زن و مرد می باشد. تعریف عملیاتی جنسیت: دختران و پسران که سوژه های اصلی تحقیق حاضر می باشند و به بخاطر جنسیت خود تحت تأثیر متغیرهای گوناگون اجتماعی و اقتصادی هستند که در نهایت با توجه به جنسیت خود به گویه های پرسشنامه پاسخ می دهند.

تعریف نظری و عملیاتی تأخیر در سن ازدواج: ازدواج به پیوند جسمانی و زندگی مشترک بین مرد و زن اطلاق می گردد و نوعی رسم و نهاد نیز محسوب می شود که به موافقت عرف، قانون و دین حاصل می شود. در تعریفی دیگر ازدواج پیوندی است بین دو جنس مخالف که بر پایه روابط جنسی تعریف می گردد. این مفهوم بر میزان به تأخیر و عقب افتادن سن مناسب و مطلوب ازدواج جوانان در جامعه اشاره دارد(نصیری و همکاران،١٣٩٦). تأخیر در سن ازدواج بر حسب متغیرهای کمی سال ها و یا متغیر های کیفی: کم – متوسط– زیاد، قابل بررسی و محاسبه است. تعریف عملیاتی تأخیر در سن ازدواج، به ازدواجی که دیرتر از سن مناسبی که هر جامعه برای ازدواج تعیین کرده صورت می گیرد گفته می شود که متناسب با وضعیت جامعه تا حدودی متغیر است و با میزان جمعیت جوانان و موالید و سیاست گذاری های اقتصادی و اجتماعی در نظر گرفته می شود.

روش نمونه گیری از نوع نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای و ابزار گردآوری پژوهش پرسشنامه است که در تحقیق از پرسشنامه عوامل تأخیر در سن ازدواج نصیری و همکاران استفاده شد و استاندارد بودن آن ثابت شده است. البته لازم به ذکر است با توجه به نظریات و فرضیات، برخی از گویه ها به پرسشنامه موجود اضافه شده است. براساس مطالعه مقدماتی روی ٤٠ نفر از تحلیل عاملی تأییدی برای بررسی بیشتر روایی پرسشنامه استفاده شده است که مقدار ماتریس برابر ٠/ ٦٢ است. روایی محتوایی و صوری پرسشنامه از طریق نظر و دیدگاه اساتید صورت گرفت. ضریب آلفای کرونباخ

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

نشان دهنده ی ضریب مطلوب است که در هر یک از عوامل فردی۰.۷۱، اجتماعی۰.۷۰، خانوادگی۰.۷۹، فرهنگی۰.۷٤، اقتصادی۰.۷۰ می باشد.

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی نشان دهنده این است که بیشترین درصد پاسخگویان 51.4 جنسیت خود را زن و کمترین درصد یعنی46.6 نیز جنسیت خود را مرد گزارش کرده اند. بیشترین درصد پاسخگویان در گروه سنی 34.9 گروه سنی خود را ۳۵-۳۱ سال و کمترین درصد یعنی 30.7 نیز گروه سنی خود را ۲٦- ۳۰ سال گزارش کرده اند. بیشترین درصد پاسخگویان 21.3 تحصیلات خود را فوق دیپلم و کمترین درصد 17.8 نیز تحصیلات خود را دیپلم گزارش کرده اند. برحسب اطلاعات به دست آمده در تحقیق حاضر بیشترین درصد پاسخگویان 28.1 درآمد ماهانه خانواده خود را یک تا دو میلیون و کمترین درصد ۲۲٪ نیز سه میلیون به بالا گزارش کرده اند. در خصوص وضعیت شغلی، بیشترین درصد پاسخگویان 33.6 شغل خود را بیکار و کمترین درصد2.1نیز نوع استخدام خود را رسمی گزارش کرده اند. درباره ی نگرش به عوامل تأخیر در ازدواج، در بعد فردی یافته ها نشان می دهد که حداقل میانگین نقش عوامل فردی در تأخیر ازدواج در بین پاسخگویان 3.46 و حداکثر آن به ترتیب1.40و ۵ بوده است. حداقل میانگین در بعد اجتماعی بین پاسخگویان 3.43 و حداکثر آن به ترتیب 1.47 و4.95 بوده است. حداقل میانگین نقش عوامل تأخیر در ازدواج در بعد خانوادگی بین پاسخگویان3.44 و حداکثر آن به ترتیب1.88 و4.88 بوده است. حداقل این میانگین در بعد فرهنگی3.37 و حداکثر آن به ترتیب1.31و4.85 بوده است. در بعد اقتصادی حداقل میانگین در بین پاسخگویان3.89 و حداکثر آن۲۰۰ و 4.83بوده است.

یافته های استنباطی

فرضیه اصلی: بین نگرش دختران و پسران در تأخیر از ازدواج تفاوت وجود دارد.

جدول ۱. آماره های توصیفی پیرامون نگرش به ازدواج برحسب جنسیت

	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	میانگین خطای استاندارد
مرد	185	3.7858	.67674	.04976
زن	196	3.4627	.56016	.04001

جدول ۲. آزمون t تک نمونه ای نگرش به ازدواج برحسب جنسیت

T	درجه آزادی	معنی داری
5.089	379	.000

بررسی نتایج ارائه شده در جدول حاکی از آن است که در خصوص نگرش به ازدواج بر اساس جنسیت تفاوت معناداری بین مردان و زنان در سطح معناداری (t=۰/۰۰۰) وجود دارد و میانگین در بین مردان بیشتر بوده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

فرضیه های فرعی

فرضیه اول: بین فضای اجتماعی و نگرش پسران از تأخیر در ازدواج رابطه وجود دارد.

جدول ۳. نتایج آزمون رگرسیون درباره تأثیر فضای اجتماعی بر نگرش پسران از تأخیر در ازدواج

روش ورود متغیرهاهمزمان	Method=inter
ضریب همبستگی چند گانه	.438a
ضریب تعیین	.192
ضریب تعین تعدیل یافته	.189
خطای معیار	.45585
تحلیل واریانس	89.60
سطح معنی داری	۰/۰۰۰۰

جدول٤. ضریب آزمون رگرسیون پیرامون تأثیر فضای اجتماعی بر نگرش پسران از تأخیر در ازدواج

	B بتای استاندارد نشده	SE	ضرایب استاندارد ده Beta	T مقدار	معنی داری Sig
مقدار ثابت	4.075	.064	-.438	63.768	.000
فضای اجتماعی	-.229	.024		-9.466	.000

نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون حاکی از آن است که ضریب رگرسیون با سطح معنی داری α=۰/۰۰۰ برابر با R=0/٤۳۸ محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معنی داری از سطح معنی داری مورد نظر ما α=۰/۰۵ کوچکتراست، دلایل کافی برای رد فرض صفر خود داریم. در نتیجه فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید شود. بنابراین نتیجه می گیریم که بین فضای اجتماعی و نگرش پسران از تأخیر در ازدواج رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین برخورداری از استقلال اقتصادی و نگرش دختران از تأخیر در ازدواج رابطه وجود دارد.

جدول۵. نتایج آزمون رگرسیون درباره تأثیر برخورداری از استقلال اقتصادی بر نگرش به تأخیر در ازدواج

روش ورود متغیرهای همزمان	Method=inter
ضریب همبستگی چند گانه	.664a
ضریب تعیین	0.441
ضریب تعین تعدیل یافته	0.440
خطای معیار	0.37898
تحلیل واریانس	۱۱٤.۸۵
سطح معنی داری	۰/۰۰۰۰

جدول٦. ضریب آزمون رگرسیون پیرامون تأثیر برخورداری از استقلال اقتصادی بر نگرش به تأخیر در ازدواج

	B بتای استاندارد نشده	SE	ضرایب استاندارد شده Beta	T مقدار	معنی داری Sig
مقدار ثابت	2.694	.051	.664	52.614	.000
برخورداری از استقلال اقتصادی	.259	.015		17.278	.000

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون حاکی از آن است که ضریب رگرسیون با سطح معنی داری α=۰/۰۰۰ برابر با R=0/٦٦٤ محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معنی داری از سطح معنی داری مورد نظر ما α=۰/۰۵ کوچکتراست، دلایل کافی برای رد فرض صفر خود داریم. در نتیجه فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید شود. بنابراین نتیجه می گیریم که بین برخورداری از استقلال اقتصادی و نگرش به تأخیر در ازدواج رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین موانع اقتصادی و نگرش پسران از تأخیر در ازدواج رابطه وجود دارد.

جدول۷. نتایج آزمون رگرسیون درباره تأثیر موانع اقتصادی بر نگرش به تأخیر در ازدواج

روش ورود متغیرهاهمزمان	Method=inter
ضریب همبستگی چند گانه	.511a
ضریب تعیین	0.262
ضریب تعین تعدیل یافته	0.26
خطای معیار	0.43566
تحلیل واریانس	۱۳۳.۹٦
سطح معنی داری	۰/۰۰۰۰

جدول۸. ضریب آزمون رگرسیون پیرامون تأثیر موانع اقتصادی بر نگرش به تأخیر در ازدواج

	B بتای استاندارد نشده	SE	ضرایب استاندارد شده Beta	T مقدار	معنی داری Sig
مقدار ثابت	2.805	.065	.511	43.094	.000
موانع اقتصادی	.230	.020		11.573	.000

نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون حاکی از آن است که ضریب رگرسیون با سطح معنی داری α=۰/۰۰۰ برابر با۵۱۱ /R=0 محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معنی داری از سطح معنی داری مورد نظر ما α=۰/۰۵ کوچکتراست بنابراین می توان نتیجه گرفت که فرض صفر رد می شود و فرضیه اصلی ما تأیید شود و می توان بیان کرد که بین تأثیر موانع اقتصادی و نگرش به موانع تأخیر در ازدواج رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین خوردن داغ ننگ و نگرش دختران از تأخیر در ازدواج رابطه وجود دارد.

جدول۹. نتایج آزمون رگرسیون درباره تأثیر خوردن داغ ننگ بر نگرش به تأخیر در ازدواج

روش ورود متغیرهاهمزمان	Method=inter
ضریب همبستگی چند گانه	.600a
ضریب تعیین	0.360
ضریب تعین تعدیل یافته	0.358
خطای معیار	0.40569
تحلیل واریانس	۱۱٤.۸۵
سطح معنی داری	۰/۰۰۰۰

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

جدول۱۰. ضریب آزمون رگرسیون پیرامون تأثیر خوردن داغ ننگ بر نگرش به تأخیر در ازدواج

	B بتای استاندارد نشده	SE	ضرایب استاندارد شده Beta	T مقدار	معنی داری Sig
مقدار ثابت	2.581	.067	.600	38.437	.000
خوردن داغ ننگ	.266	.018		14.574	.000

نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون حاکی از آن است که ضریب رگرسیون با سطح معنی داری α=۰/۰۰۰ برابر با R=0/٦۰۰ محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معنی داری از سطح معنی داری مورد نظر ما α=۰/۰۵ کوچکتراست مدرک کافی برای رد فرض صفر خود داریم، در نتیجه فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید شود. بنابراین نتیجه می گیریم که بین نگرش به خوردن داغ ننگ و نگرش دختران از تأخیر در ازدواج رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

فرضیه اصلی:"بین نگرش دختران و پسران از تأخیر در ازدواج تفاوت وجود دارد. "

نتایج داده ها حاکی از آن است که در خصوص نگرش به ازدواج براساس جنسیت تفاوت معناداری بین دختران و پسران، در سطح معناداری t=0/000 وجود دارد و این میانگین در بین مردان (۳.۷۸) بیشتر است. یافته های پژوهش حاضر همسو با پژوهش های التجائی(۱۳۹۵)، صفری قهساره (۱۳۹۲)، محمودیان و همکاران(۱۳۹۲) و همیلتون و سیون(۲۰۰۷) می باشد. برحسب نتایج هر دو جنس به عواملی مثل: تفاوت در نوع ارزش های فردی و بی تعهدی در زندگی به عنوان عوامل به تأخیر افتادن اشاره کردند ولی در تفاوت نگرش دو جنس نتایج حاکی از این است که برای پسران مشکلات و دغدغه های اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار بود. همچنین پسران به متفاوت بودن فرهنگ و پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده های طرفین و تأثیرآن بر روی به تعویق افتادن سن ازدواج اشاره کردند. در مقابل دختران تأکیدشان بیشتر بر روی استقلال اقتصادی بود و به عنوان عاملی که موجب به تأخیر افتادن سن ازدواج می شود. با توجه به جامعه آماری پژوهش، یعنی مناطق حاشیه نشین و دلیل حاکم بودن زندگی غالباً فامیلی در مناطق یاد شده، دختران مجرد به عامل بر چسب زدن (داغ ننگ) اطرافیان به آنها بویژه در سنین بالا و واکنش منفی اطرافیان اشاره داشتند که می تواند باعث تأخیر در سن ازدواج گردد.

فرضیه اول: بین فضای اجتماعی و نگرش پسران از تأخیر در ازدواج رابطه وجود دارد. نتیجه به دست آمده از آزمون فرضیه حاضر نشان گر این است که بین فضای اجتماعی و نگرش پسران از تأخیر در ازدواج رابطه وجود دارد یعنی هر چه فضای اجتماعی خانواده های دو جنس متفاوت تر باشد باعث به تأخیر افتادن ازدواج دختر و پسر خواهد شد. یافته های پژوهش حاضر هم جهت با تحقیق عباسی(۱۳۹۵)، مردانه (۱۳۹٤)، صفری قهساره (۱۳۹۲)، محمودیان و همکاران(۱۳۹۲)، هالکولا(۲۰۱۹)، همیلتون و سیون (۲۰۰۷)،گیست (۲۰۱۷)، شارپ و گونانگ (۲۰۱۱) و کاولفید(۲۰۰۹) می باشد. از ویژگی های عمده ای که می توان به مدرنیته نسبت داد تجزیه جامعه به بخش های گوناگون است که برگر و کلنر در کتاب خود (ذهن بی خانمان) از آن با نام تکثر جهان های زندگی اجتماعی یاد می کنند(گلوور و استرابریج،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

۶۵:۱۳۸۸). به زعم بوردیو فضای اجتماعی متشکل از میدان هایی است که عاملان اجتماعی، متناسب با میزان برخورداری از انواع سرمایه ها داخل این میدان ها دسته بندی می شوند به گونه ای که می شود نحوه ی برخورداری افراد از سرمایه های مختلف (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) را در نوع سبک زندگی، ذائقه ها، ورزش و .. مشاهده کرد. برخورداری از سرمایه های یاد شده چه به صورت عینی و چه به صورت نوع تفکر خودشان را نشان می دهند. به طور مثال وقتی دختر و پسر در میدان دانشگاه آشنا می شوند در زمینه آموزش و سرمایه فرهنگی اشتراکاتی دارند ولی به لحاظ اجتماعی و اقتصادی در حیطه خانوادگی تمایزات گوناگونی باهم دارند و خانواده های آن ها از منابع متفاوتی از سرمایه در زندگی خود بهره می برند که نمود آن را در سلایق و سبک زندگی می توان مشاهده کرد، در نتیجه این تمایزات گفته شده موجب به تأخیر افتادن ازدواج آن ها خواهد شد.

فرضیه دوم: بین برخورداری از استقلال اقتصادی و نگرش دختران از تأخیر در ازدواج رابطه وجود دارد. نتیجه به دست آمده از آزمون فرضیه نشانگر این است که بین استقلال اقتصادی و نگرش دختران از تأخیر در ازدواج رابطه وجود دارد. یعنی هر چه دختران از استقلال اقتصادی بالایی برخوردار باشند گرایش کمتری به ازدواج خواهند داشت و در نهایت موجب تأخیر در ازدواج آن ها می شود. با توجه به مقدار این آزمون ارتباط دو متغیر متوسط رو به بالا R=0/ 664 می باشد که با پژوهش های غفاریان مبهوت(۱۳۹٤)، التجائی (۱۳۹۵)، عباسی(۱۳۹۵)، شفائی مقدم(۱۳۹٤)، صفری قهساره (۱۳۹۲)، محمودیان و همکاران(۱۳۹۲)، بحیرائی (۱۳۹۱)، گیست (۲۰۱۷)، همیلتون و سیون (۲۰۰۷)، تور (۲۰۱۱)، اسمیت، استون و کاهندو (۲۰۱۲) و سیمون(۲۰۱۰) می باشد.

فرضیه سوم : بین موانع اقتصادی و نگرش پسران از تأخیر در ازدواج رابطه وجود دارد. نتیجه به دست آمده از آزمون فرضیه نشانگر این است که بین موانع اقتصادی و نگرش پسران از تأخیر در ازدواج رابطه وجود دارد. یعنی با وجود موانع اقتصادی (تورم، مشکلات درآمد، شغل و مسکن) شاهد به تأخیر افتادن سن ازدواج پسران خواهیم بود. با توجه به مقدار این آزمون ارتباط دو متغیر متوسط (R= (0 /511 می باشد. یافته های پژوهش حاضر همسو و هم جهت با پژوهش های غفاریان مبهوت(۱۳۹٤)، بحیرائی (۱۳۹۱)، التجائی (۱۳۹۵)، عباسی(۱۳۹۵)، شفائی مقدم(۱۳۹٤)، صفری قهساره (۱۳۹۲)،محمودیان و همکاران(۱۳۹۲)، گیست (۲۰۱۷)، همیلتون و سیون (۲۰۰۷)، تور (۲۰۱۱)، اسمیت، استون و کاهندو (۲۰۱۲) و سیمون(۲۰۱۰) می باشد. طبق تئوری سرمایه انسانی اوپنهایمر، مشارکت زیاد زنان در بازار کار منجر به استقلال اقتصادی آنان خواهد شد و این متغیر مهمی است در به تأخیر افتادن سن ازدواج. به صورتی دیگر با تخصصی شدن کار زنان در بازار و دست یابی به در آمد معین برای گذران زندگی، منافعی که می توانست در صورت مزدوج شدن برای آن ها رخ دهد کاهش پیدا می کند و استقلال اقتصادی جذابیت بیشتری برای آن ها در مقایسه با زندگی زناشویی خواهد داشت.

فرضیه چهارم: بین خوردن داغ ننگ و نگرش دختران از تأخیر در ازدواج رابطه وجود دارد. نتیجه به دست آمده از آزمون فرضیه حاضر نشانگر این است که بین خوردن داغ ننگ و نگرش دختران از تأخیر در ازدواج رابطه وجود دارد. یعنی هرچه میزان نگاه اطرافیان به دختر مجرد دارای سنین بالا منفی باشد و برچسب های منفی به وی زده شود، باعث به تعویق

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

افتادن هر چه بیشتر ازدواج این دختران می شود. با توجه به مقدار این آزمون ارتباط دو متغیر متوسط به بالا (R=(0/600 است. قانع عزآبادی (۱۳۹۳)، اودریند (۲۰۱۳)، انگ و داگلاس (۲۰۱۳)، لاهاد (۲۰۱۳) و با پژوهش سیمون(۲۰۱۰) همسو نیست.

پیشنهاد های حاصل از پژوهش

پیشنهادهای پژوهشی

– پیشنهاد می شود موضوع پژوهش بصورت کیفی بررسی گردد تا به نتایج عمیق و گسترده البته با تعداد محدود تر و تعمیم کمتر رسید.

– پیشنهاد می شود در تحقیق های بعدی پدیده داغ ننگ در میان دختران غیرحاشیه نشین مورد مطالعه قرار گیرد.

– پیشنهاد می شود به بررسی رابطه فضای اجتماعی با پدیده تأخیر در سن ازدواج میان ازدواج های فامیلی مورد مطالعه قرار گیرد.

پیشنهادهای کاربردی

– تأکید بر نقش پراهمیت دختران جامعه و پرداختن بر ضروری بودن نقش آن ها در تربیت نسل های آینده

– فرهنگ سازی لازم در رسانه های ارتباط جمعی، جهت مقابله با باورهای غیرمنطقی رایج در سطح جامعه پیرامون مقوله ازدواج

– تدوین اصول و سیاست گذاری های صحیح و کارآمد و متناسب با واقعیت های موجود در جامعه از سوی نهادهای حکومتی جهت کاهش دغدغه های جوانان مجرد درباره مسائل اقتصادی از قبیل مسکن، شغل و تهیه لوازم اولیه زندگی

سپاسگزاری

در پایان از زحمات و راهنمای های بی دریغ استاد راهنما؛ جناب آقای دکتر عبدالرضا باقری بنجار بینهایت سپاسگزارم و همچنین از کلیه ساکنین پاکدشت و شهریار که در امر پژوهش ما را یاری نمودند کمال تشکر را دارم.

تضاد منافع

در رابطه با انتشار مقاله ارائه شده به طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوء رفتار، جعل داده‌ها پرهیز شده است و منافعی تجاری در این راستا وجود ندارد و در قبال ارائه اثر خود وجهی دریافت ننموده‌ایم. همچنین کلیه حقوق استفاده از محتوا، جداول، تصاویر و ... به ناشر محول می گردد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

منابع

-آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۸).جامعه شناسی خانواده ایرانی،تهران: انتشارات سمت.

-آنتونی، الیوت و ترنر، برایان (۱۳۹۰). برداشت هایی در نظریه اجتماعی معاصر. مترجم: فرهنگ ارشاد، چاپ اول، تهران، انتشارات: جامعه شناسان.

-التجائی، ابراهیم و مینا، عزیز زاده (۱۳۹۵). بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی موثر بر سن ازدواج در ایران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره ۲، صفحات ۱۸-۱.

-بارکر، کریس، (۱۳۹٦). مطالعات فرهنگی (نظریه و عملکرد) ترجمه: مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، انتشارات: مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

-بحیرائی، الهام (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر افزایش سن ازدواج (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه علوم انسانی)، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات ،دانشکده علوم اجتماعی.

-بوردیو، پیر (۱۳۹۳). تمایز: نقد قضاوت های ذوقی. ترجمه: چاوشیان. تهران. انتشارات: ثالث.

-بوردیو، پیر (۱۳۹۳). نظریه کنش، ترجمه: مرتضی مردیها. تهران. چاپ ۵.انتشارات: نقش و نگار.

-بهنام، جمشید (۱۳٤۸). مقدمه ای بر جامعه شناسی ایران. تهران. انتشارات: خوارزمی.

-تنهایی، حسین (۱۳۹٦). جامعه شناسی نظری، تهران، انتشارات: بهمن برنا.

-حبیب پور گتابی، کرم و غفاری، غلام رضا (۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج دختران. نشریه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) دوره ۹، شماره ۱، صفحات ۳۸-۷.

-دادگر، یدالله؛ رحمانی، تیمور(۱۳۹۱). مبانی و اصول علم اقتصاد. چاپ ۱۳. قم. انتشارات: بوستان کتاب.

-سگالن، مارتین.(۱۳۹۳). جامعه شناسی تاریخی خانواده. ترجمه: حمید الیاسی. تهران: نشر مرکز.

-سیدمن، استیون(۱۳۹٦). کشاکش آراء در جامعه شناسی. ترجمهٔ هادی جلیلی. تهران: نشرنی.

-شفائی مقدم، الهام؛ نیازی، محسن و شاطریان، محسن (۱۳۹٤). بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی – اقتصادی، مؤثر در نگرش منفی به ازدواج (مطالعه موردی" شهروندان شهرستان کاشان). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ٦ ،شماره ۲، ٦۷-۹۱.

-صفری قهساره، سمیرا (۱۳۹۲). بررسی عوامل پیش بینی کننده تمایل به ازدواج در پسران شهر اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

-عباسی، فاطمه (۱۳۹۵). عوامل اجتماعی تأخیر در سن ازدواج با تأکید به فضاهای همسر گزینی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.

-عسکری ندوشن، عباس؛ عباسی شوازی، محمد جلال و پیری محمدی، مریم(۱۳۹۵). سن ایده آل ازدواج و عوامل تعیین کننده ی آن در شهر یزد. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال نوزدهم، شماره ۷۳.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

-غفاریان مبهوت، الهه (۱۳۹٤). فرآیند بالا رفتن سن ازدواج دختران در آستانه تجرد قطعی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

-گافمن، اروینگ (۱۳۹٦). داغ ننگ چاره اندیشی برای هویت های ضایع شده. ترجمه مسعود کیان پور. چاپ ٤. تهران، نشر: مرکز.

-گلوور، دیوید؛ استرابریج، شیلاف (۱۳۸۸). جامعه شناسی معرفت و علم. ترجمه: شاپور بهیان، حامد حاجی حیدری، جمال محمدی، محمد رضا مهدی زاده و حسن ملک. انتشارات: سمت.

-لوکاس، دیوید؛ میر، پاول(۱۳۹٤). درآمدی بر مطالعات جمعیتی. ترجمه حسین محمودیان. انتشارات: دانشگاه تهران .

-قانع عزآبادی، فرزانه؛ کیانپور، مسعود و قاسمی،وحید(۱۳۹۳). تجارب زیستهٔ دختران۳۰ سال به بالا در زمینهٔ داغ ننگ ناشی از تجرد (مورد مطالعه: شهرهای اصفهان و یزد). بررسی مسائل اجتماعی ایران. دوره٤، شماره۲۲. صص ۳۳۱-۳۰۵.

-میشل، آندره (۱۳۸۳). جامعه شناسی خانواده و ازدواج. ترجمه: فرنگیس اردلان. تهران. انتشارات: دانشگاه تهران.

-مرادی، گلمراد؛ صفاریان ، محسن(۱۳۹۱). عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه). مطالعات جوانان، سال دوم، شماره ۷ ، صفحات ۸۱-۱۰۸.

-مجدالدین، اکبر (۱۳۸٦). دلایل اثرات افزایش سن ازدواج دختران روستایی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد آشتیان.

-محمودیان، حسین؛ ترابی، فاطمه و محمودیانی، سراج الدین (۱۳۹۲). تفاوت های جنسی تعیین کننده های سن ازدواج در آستانه ازدواج در شهر کرمانشاه. دوره هشتم، شماره ۱۵، صفحات ۲۲-۵.

-مردانه، سجاد(۱۳۹٤). بررسی رابطه بین رغبت به ازدواج و عوامل تسهیل کننده آن در بین دانشجویان دانشگاه های شیراز، پایان نامه دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، دانشکده علوم اجتماعی.

-نصیری، فخرالسادات؛ بهشتی راد، رقیه و سلطان زاده، وحید (۱۳۹٦). بررسی عوامل مؤثر بر بالا رفتن سن ازدواج در استان همدان. گزارش نهایی طرح تحقیقاتی استاندارد همدان.

-وکیلی، مریم (۱۳۹۲). پایان نامه کارشناسی ارشد: تأثیر معیارهای همسرگزینی زنان بر سن ازدواج (مطالعه موردی: زنان متأهل شهر تهران در بازه زمانی دهه ۸۰)، دانشگاه علامه طباطبایی، رشته مطالعات زنان.

- Aspara, Jaakko,Kristina wittko wski- Xueming Luo(2018) Types of in telligence predict likelihood to get married and stay married :Large -scule empirical evidence for evolutionary theory Personality and individual Differences 122(2018)1-6.

-Caulfield,Tanya.(2009). Life Without Marriage :Actualities of Unmarried Women in Delhi. Intersections: Gender and Sexuality in Asia and the Pacific .Issue 22, October 2009.

- Cherlin ,Andrew J. (2014), American Marriage in the Early Twenty-First Century, All content following this page was uploaded by Andrew J. Cherlin on 23 August 2014.,10.1353/foc 2014 .0015 .

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

-Gebel, M., & Heyne, S.(2016). Delayed transitions in times of increasing uncertainty:school- to- work transition and the delay of first marriage in Jordan" . Research in Sosial Stratification and Mobility,46, PP 61-72.

- Geist, Claudia (2017). Marriage Formation in Context :Four Decades in Comparative Perspective ,Department of Sosiology,University of Utah ,380 S 1530 E RM 301 , Salt Lake City

- Halkola, Abbi(2019). "I don't": A look at attitudes towards delaying marriage in a traditional community. Master's Theses, and Doctoral Dissertations, and Graduate Capstone Projects.

-Hamilton G and Siow A (2007) Class Gender and Marriag. Review of Economic Dynamics vole.10 No.44 PP.549-575.

- Hyunsu Oh (2018) ,Institutional Supports and Life Satisfaction: The Case of Cross-border Marriage Migrants in South Korea, Socius: Sociological Research for a Dynamic World Volume 4: 1–12.

-julie M.zissimopoulos. (2009). Marriage and wealth changes over time.university of Southern California.

-Karamat.K.A. (2016).perception on implications of delayed marriage.A.case study of Married Adults in Kuala lumpur International Journal of Social Science and Humanity ,vol.6,No.&,August 2016.

- Keskinen, Suvi.(2017).The ‘crisis’ of white hegemony, neonationalist femininities and antiracist feminism .Swedish School of Social Sciences, University of Helsinki, Snellmaninkatu 12, P.O. Box 16, FI-00014 University of Helsinki, Finland.

-Lahad Kinneret (2013) “Am I Asking for too Much?” The Selective Single Woman 32. MCN", American Journal of Maternal /Child Nursing, 28 (2): 93-99.

-Maliki.A.E. (2011). Socio –Economic Status And Preferences in Marriage Partner selection Among University Under graduates in South –south of NiGeriaDepartment of Education Foundation Niger Delta university P.M.B.071,wilberforce Island ,56001 Bayelsa state. – Kathryn.

- Moghimi ,Homeira. Jalili, Mohsen. Rashid, Shani and Meykolaei. Enayati.(2017) , A Study of the Relationship between Family Values and Tendency to Marriage among Female High School Students in, ISSN: 2476-5198, SSYJ..

-oderinde olatundum A.M. (2013). A.s Socio-Religious Perspective of Late Marriage and Stigatization of single adult and its Impact on the church in Nigeria Review of European Studies .vol.5, No .4; 2013 .published by Canadian center of science and Education .

- Simon ,Barbara Levy (2010). Never Married Women, in the United States on August United States. Temple University Press. January .

-Smith,C.A.,Stone,R.P& ,.Kahando, S .(2012) .A model of women's educational factors related to delaying girls 'marriage .Int Rev Educ . 58,533-555.

- Sharp, Elizabeth A.; Ganong, Lawrence.(2011). "I'm a Loser, I'm Not Married, Let's Just All Look at Me": Ever-Single Women's Perceptions of Their Social Environment Journal of Family Issues, v32 n7 p956-980 Jul 2011.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

-Torr, Berna M.(2011) .The Changing Relationship between Education and Marriage in the United States. Journal of Family History, 36, 483–503. 1940–2000.

- Wagner , Brandon G., Choi, Kate H.and. Cohen, Philip N.(2020) Decline in Marriage Associated with the COVID-19 Pandemic in the United State , Socius: Sociological Research for a Dynamic World Volume 6: 1–8

- Weijer, S.G.A. van deSmallbone . H.S. Bouwman ,V. (2020).Family formation patterns of children who experienced parental imprisonment Advances in Life Course Research 43 (2020) 100321.

- Wang,Haiping. Douglas ,A Abbott.(2013).Waiting for Mr. Right: The Meaning of Being a Single Educated Chinese Female Over 30 in Beijing and Guangzhou. Volume 40, September–October 2013, Pages 222-229.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره ۳۵، دوره سوم، سال پنجم، بهار ۱۴۰۱، صص ۱-۲۴

Comparing the attitude of girls and boys about delay in marriage Case study: (marginal youth of Tehran)

Abdolreza Bagheri Bonjar[1], Bahman Babaei*[2]

Abstract

The current research is a cross-sectional study that was conducted using a survey method and a questionnaire tool. The statistical population includes all girls and boys aged 25 to 35 who have never been married in the two marginal cities of Pakdasht and Shahryar. According to the 1395 census, their total population is 48088 people. The sample size according to Cochran's formula is 381 people, which was obtained through multi-stage cluster sampling. The data was analyzed using spss software. The findings of the research show that there is a significant relationship between having economic independence and the attitude of girls, this relationship between stigma and the attitude of girls is also significant. There is a significant relationship between the economic problems of boys and delayed marriage. There is a significant relationship between the social atmosphere and boys' attitude. Therefore, according to the value of t: 5.089 and the significance level sig: 0.000, there is a significant difference between the attitude of girls and boys about the delay in marriage age.

Key words: marriage, delay in marriage, marginalization, attitude of girls and boys.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

[1] PhD in Comparative Sociology, Assistant Professor, Shahid University of Tehran, Tehran, Iran (ab.bagheri@yahoo.com)

[2] *Master of Pure Sociology, Tehran Shahid University, Tehran, Iran (bahman.baba99@gmail.com)